

# آیت الله میرزا محمدعلی معزی دزفولی

## رضا استادی

دزفول و بلکه خوزستان و برخی مناطق دیگر سهمی به سزا داشته‌اند و اگر هیچ اثر علمی نیز از آنان در دست نبود، باز بزرگداشت و تکریم آنان لازم و مصداق شکر و قدردانی بود.

• از اینکه آیت الله معزی بدون اینکه به حوزه دیگری هجرت کند، به مقام علمی ویژه‌ای رسیده و توانسته علاوه بر تربیت شاگردانی فاضل، کتاب ارزشمند تجدید الدوارس را تألیف نماید، شاهد و گواه این است که دزفول حوزه علمی قوی و استادان برجسته‌ای داشته است و به این خاطر دزفول باید به خود بیابد.

• استاد آیت الله معزی، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا دزفولی (۱۲۷۴ - ۱۳۵۲) شخصیتی عظیم بوده و آیت الله آقاسید احمد خوانساری از مراجع تقلید زمان ماد و سال از درس ایشان بهره برده است.

و شاید از همان تاریخ با آیت الله معزی آشنا شده است که به پدر آیت الله حاج سید محسن خرازی سفارش کرده در سفر ایشان به تهران از ایشان پذیرایی کند.

هنگامی که آیت الله معزی در سال ۱۳۸۳ ق یا کمی جلوتر و یا عقب تر به تهران و قم آمدند، به سفارش آیت الله حاج سید احمد خوانساری، پدر آیت الله خرازی در تهران حدود دو ماه و مدتی نیز در قم، خود آیت الله خرازی میزبان ایشان بودند و در همین سفر کتاب تجدید الدوارس در

چکیده: در اردیبهشت سال ۱۳۹۰ همایش بزرگداشتی به منظور تجلیل از مقام علمی و معنوی آیت الله میرزا محمدعلی دزفولی و سایر بزرگان خاندان معزی در دزفول برگزار گردید. نوشتار حاضر حاصل سخنرانی نویسنده در همایش مذکور می باشد. وی در نوشتار به مباحثی از قبیل زندگی نامه آیت الله معزی دزفولی، مهم ترین اثر علمی ایشان یعنی کتاب تجدید الدوارس و آثار دیگر و نیز ذکر نام کتبی که پیرامون آیت الله معزی دزفولی و خاندان ایشان به رشته تحریر درآمده است، می پردازد.

کلیدواژه: محمدعلی معزی دزفولی، خاندان معزی، کتاب تجدید الدوارس.

در اردیبهشت سال ۱۳۹۰ همایش بزرگداشتی به منظور تجلیل از مقام علمی و معنوی عالم فرزانه آیت الله میرزا محمدعلی دزفولی و سایر بزرگان خاندان معزی، در دزفول برگزار گردید.

چون اینجانب یکی از سخنرانان آن محفل عظیم بود، مناسب دید یادداشت هایی که برای آن سخنرانی تهیه کرده بود، به صورت مقاله ای بالنسبه کوتاه تنظیم نماید؛ شاید برای برخی از علاقه مندان به شرح حال دانشمندان، سودمند باشد.

• مهم ترین چیزی که ایجاب می کند از این بزرگواران تجلیل به عمل آید و مورد تکریم قرار گیرند، این است که در تدین و تشیع مردم منطقه

• جلد هشتم تجدید الدواریس که به همت فرزند ایشان مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ مصطفی معزی پس از وفات مؤلف در سال ۱۳۹۲ ق چاپ شده، شامل چند رساله است:

- رساله فی منجزات الزوجه، ۲۸ صفحه؛
- رساله فی ارث الزوجه، ۲۸ صفحه؛
- رساله فی خيار الزوجة یجنون الزوج، ۱۸ صفحه؛
- رساله فی الولاية علی البکر فی نکاحها، ۳۰ صفحه؛
- رساله فی الطلاق، ۶۳ صفحه.

• پس از وفات مرحوم آیت‌الله معزی رساله‌ای از ایشان، در تفسیر آیات متشابهات (۲۷ آیه) در ۵۶ صفحه چاپ شده که حاکی از توجه ایشان به علم تفسیر است.

• کتابی به نام شرح حال خاندان آیت‌الله معزی در حدود صد صفحه پس از وفات ایشان در سال ۱۳۹۲ ق منتشر شده که بخشی از آن به قلم خود آن بزرگوار و بخش دیگر را فرزند ایشان مرحوم حاج شیخ مصطفی معزی از آثار ایشان و برخی مطالب متفرقه، گردآوری کرده است.

• از تألیفات ایشان که در کتابخانه ما موجود است، رساله مناسک حج است که در سال ۱۳۵۴ ق تألیف و در سال ۱۳۸۱ ق در ۱۲۰ صفحه چاپ شده است.

در مقدمه این رساله آمده است: «رساله مناسک حج که شیخ بزرگوار اجل قدوة العلماء امام المحققین حاج شیخ مرتضی انصاری رضوان الله علیه آن را به زبان فارسی به رشته تألیف کشیده، اگرچه رساله‌ای است مختصر و کثیرالفائده مشتمل بر مسائل مهمه حج که به همین خصوصیت و مزیت مرغوب خاص و عام و مدار عمل عموم انام شده، لیکن چون پیچیدگی الفاظ فهم آن را بر عوام مشکل کرده، به مضمون «تعانوا علی البر والتقوی» مناسب دید که رساله مزبور را به سبکی ساده‌تر و الفاظی مأنوس‌تر و عباراتی روشن‌تر به رشته تألیف درآورده و با ترجیحات خویش تطبیق نموده تا فایده آن اتم و نفع آن اکمل گردد، و من الله التوفیق...».

• رساله عملیه ایشان چاپ شده است، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه حقیر هست. علت اینکه ایشان برخی فتاوی‌ای خلاف مشهور داشت، این بود که ایشان به کلمات و آرای فقهای گذشته اهمیت می‌داد و در این باب تسلط خاصی پیدا کرده بود و گاهی نتیجه دقت او در کلمات قدما، فتاوی غیرمشهور می‌شد، و لازم است یادآوری کنم توصیه ایشان این بوده که روایات و نیز کلمات قدما با دقت بیشتر ملاحظه شود و همین توصیه به طور بالنسبه گسترده در رساله مفتاح التحقیق بیان و مثال‌هایی برای آن آورده شده است.

• کتاب مرزبان‌نامه را که از نثرهای فارسی و سنگین و مشکل است،

قم به چاپ سپرده شد و جلد اول آن در سال ۱۳۸۳ منتشر گردید و تا سال ۱۳۹۰ تا جلد هفتم آن در زمان حیات آن بزرگوار چاپ شد.

آن طور که به خاطر دارم، آیت‌الله آقای حاج آقا مجتبی تهرانی که اکنون از مراجع تقلید و ساکن تهران هستند، تصحیح و بهتر چاپ شدن این هفت جلد یا مقداری از آن را به عهده داشتند.

• مهم‌ترین اثر علمی ایشان دوره همین کتاب تجدید الدواریس است که گویا بیش از چهل سال در دست تألیف و شاید تنقیح بوده است. تاریخ اتمام تألیف جلد اول که در پایان آن آمده ۱۳۴۷ ق و تاریخ اتمام جلد هفتم که در پایان آن نیز یاد شده ۱۳۸۷ می باشد.

• هنگامی که ایشان به قم مشرف شدند و در منزل آیت‌الله خرازی بودند، حقیر هم گاهی خدمتشان می‌رسیدم؛ اما متأسفانه استفاده‌ای نکردم؛ ولی آیت‌الله خرازی در این مدت و نیز در تهران از ایشان بهره‌هایی برده‌اند.

در زمان تشرف به قم نیز مراجع بزرگوار مانند آیت‌الله گلپایگانی به دیدن ایشان آمدند و آن‌طور که به خاطر دارم در یکی از این دید و بازدیدها از رساله‌ای که درباره کتاب فقه‌الرضانوشته بودند، صحبت می‌شود و یکی از مراجع رساله را برای مطالعه می‌برند که متأسفانه چون رساله کم حجمی بود، در میان کاغذها و مراسلات ایشان گم می‌شود و نسخه دیگری هم از آن در دست نیست. البته نامه‌ای از ایشان درباره کتاب فقه‌الرضا در کتابی به نام اتمام الحجة چاپ شده که شاید همان رساله یا مختصر آن باشد. کتاب اتمام الحجة را فرزند آیت‌الله معزی که فعلاً ساکن مشهد رضوی هستند در اختیار حقیر قرار دادند.

• در سال ۱۳۷۹ یعنی چند سال پیش از شروع به چاپ کتاب تجدید الدواریس، رساله مفتاح التحقیق، که نمونه‌ای گویا و مستخرج از کتاب تجدید الدواریس است، توسط مرحوم محدث ارموی در تهران در هشتاد صفحه چاپ شد و در اختیار اهل فضل قرار گرفت. شنیده شده که آیت‌الله حاج آقا مرتضی حائری (ره) از این رساله تمجید کرده بودند.

• کتاب تجدید الدواریس آن‌طور که مقصود مؤلف بود، در حوزه‌های علمیه مورد استقبال چندانی قرار نگرفت؛ زیرا در حوزه‌ها غالباً به کتاب‌های فقهای مشهور رجوع می‌شود و این قبیل کتاب‌ها در حاشیه قرار می‌گیرد؛ اما در عین حال تعدادی از فقها که بخشی از کتاب را دیده‌اند؛ از آن تمجید کرده‌اند. تقریباً علامه سمنانی بر این کتاب را می‌توانید در کتاب شرح حال خاندان آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی معزی دزفولی و نیز معزی‌نامه صفحه ۵۶۳ ببینید که گواه خوبی بر عظمت این اثر است.

به فرد ترجمه کتاب النهایه شیخ ابوجعفر طوسی در فقه که به زبان فارسی سره تحریر شده و گمان می‌رفت که در زمان حیات شیخ برای مقلدین فارسی‌زبان او تحریر شده باشد، و من جمله یک قسمت از تفسیر تبیان شیخ به خط قدیم، و من جمله یک نسخه صحیح ممتاز از کتاب خلاف شیخ که از کتابخانه حجة الاسلام حاج سید محمد باقر رشتی طاب ثراه به وی منتقل شده و در پشت ورق اول آن خط و مهر سید بود، و من جمله همان نسخه مرزبان نامه که محشی در مقدمه کتاب به آن اشاره نموده. از اتفاقات حسنه، نسخه این مجموعه همراه بود. به این مناسبت آن را نظر معظم له گذرانیده، کاملاً مورد توجه و قبول او واقع گردید تا جایی که اظهار نمود پس از مراجعت به دزفول نسخه‌ای از روی آن نوشته به ایشان تقدیم نمایم. حسب الامر پس از مراجعت تهیه و ارسال گردید و ضمناً از ایشان تقاضا شد که اگر آقای قزوینی را ملاقات فرمایند، نسخه را از نظر ایشان نیز گذرانده تا اگر خللی در آن واقع شده، اصلاح گردد. اخیراً مسموع شد که از نظر آقای قزوینی گذشته، ولی مقبول یا مردود گردیده، معلوم نشد. والله العالم بحقیقة الحال».

• همان‌گونه که پیشتر گفتیم، ظاهراً همین جلسه منزل مرحوم جلال‌اللهی. که یکی از علمای تهران بود. باعث شد تعدادی از استادان مانند مرحوم راشد، مشکاة، تقوی و محدث ارموی که هر کدام فحلی بودند، به ایشان و مجلس ایشان علاقه مند شده، او را تجلیل کنند. شاید مرحوم محدث ارموی یا استادی مانند او واسطه دعوت آیت‌الله معزی در سال ۱۳۴۸ به کنگره شیخ طوسی در مشهد بودند که ایشان مقاله‌ای به عنوان نمونه‌ای از استنباطات شیخ طوسی در کتاب مبسوط در چند صفحه به آن کنگره تقدیم کرده است که در یادنامه شیخ طوسی چاپ گشته است.

• محدث ارموی دیوان سید ضیاء الدین راوندی را در سال ۱۳۷۴ق تصحیح و چاپ کرده و در صفحه ۳۸ مقدمه آن می‌نویسد: «حیث انی استفدت فی تصحیح الدیوان من العالم الجلیل والفاضل النبیل الفقیه النبیه الجامع والمجتهد الوجیه البارع الشیخ محمد علی المعزی الدزفولی (ادام الله ظلّه علی رؤوس المسلمین) غایة الاستفادة رایت من اللازم ان اصرح بشکره وانوه بذکره هنا فامثل فی الباب بقول من قال:

رهنت یدی بالعجز عن شکره وما فوق شکرى للشکور مزید  
ولوان شیئا یستطاع استطاعته ولکن ما لا یستطاع شدید  
فجزاه الله عنی خیر الجزاء».

نیز در صفحه ۶۲ دیوان مذکور، درباره کلمه‌ای فارسی که در مصرعی فارسی در اشعار راوندی هست، می‌نویسد: «عرضت المصراع علی العالم الجامع البصیر، والناقد البارع النحریر، الشیخ محمد علی

به مناسبتی تدریس می‌کرده است و در میانه این تدریس، حواشی و تعلیقاتی بر آن نگاشته که حاکی از مهارت او در ادبیات، حتی ادبیات فارسی است.

گویا همین تعلیقات موجب می‌شود چند نفر از استادان و اهل فضل و تحقیق به مقام علمی و ادبی او پی برده، گاهگاهی که به تهران می‌آمده از مجالس او بهره مند شوند که یکی از آنها مرحوم محدث ارموی است که رساله مفتاح التحقیق ایشان را تصحیح و چاپ کرده است.

• در پایان تعلیقات مرزبان نامه که چاپ شده است، می‌نویسد: «تدوین این مجموعه به دو منظور بوده: اول کمک به ادبیات فارسی در حدود امکان؛ زیرا جایی که دیگران ارزش این کتاب را دانسته، در راه طبع و نشر آن مال خود را صرف کنند، پس اگر پارسی زبان توانسته باشد غلطی را از آن تصحیح یا جمله نامفهومی را توضیح دهد و از این کمک مختصر باز خودداری نماید، نسبت به مفاخر ملی خود نهایت بی‌علاقگی را نشان داده و این خود، دلیل نادانی و پستی همت است.

دوم دفاع از مقام روحانیت، چه مسموع می‌شد برخی جهال یا اهل غرض نسبت به انسان توهین نموده و گفته‌اند: «ملاهای این زمان از ادبیات فارسی بی‌بهره [اند] و به جز مسائل حیض و نفاس خبر از جای دیگر ندارند».

اگر در مقابل این سخن، انسان ساکت نشیند، البته دیگران سکوت او را موجب رضا دانسته، تهجین جهال تصدیق و تسجیل خواهد شد؛ پس عقلاً و شرعاً لازم بود اشتباه یا دسیسه این دسته به وسیله نشر این مجموعه بر همگنان روشن گردد. همه می‌دانند شغل شاغل نویسنده، فقط خوض و بحث در اطراف مسائل فقه و اصول بوده و هیچ‌گاه در زمینه امثال این کتاب، قلم روی کاغذ کشیده نشده، ولی چه باید کرد تصادف با نامالیقات، گاه انسان را مجبور می‌کند که دست از کار خود کشیده، در راهی قدم زند که راه مستقیم و عادی او نبوده است».

سپس می‌افزاید: «در سال ۱۳۶۰ هـ که از دزفول به عزم زیارت مشهد مقدس رضوی علی ساکنه الصلوة والسلام مسافرت نموده، به مناسبت سوابقی که فی ما بین این جانب و جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حاج شیخ محمد جواد جلال‌اللهی سلمه الله تعالی بود، در ایام اقامت تهران منزل ایشان وارد بودم، و چون مابین خانواده و بیت الشرف آقایان جلال‌اللهی حفظهم الله تعالی و حضرت مستطاب دانشمند معظم آقای حاج سید نصرالله تقوی مد ظله العالی قرب جوار و قرابت بود، بالتبع مابین حضرت ایشان و این جانب باب مرآه مفتح گردید. لطفاً چندین مجلد از نفایس کتب خود را به نظر حقیر رسانید؛ از آن جمله نسخه بسیار نفیس عزیز الوجود، بلکه منحصر

وفخیم بفخامته وارجو من الله تعالی ان یدوم ظلّه النافع علی رؤوس المسلمین».

• برای آگاهی بیشتر از شرح حال آیت‌الله معزی و خاندان رفیع او و نیز آشنایی با آثار علمی آن بزرگوار و خاندانش به این کتاب‌ها رجوع شود:

- اعلام الشیعه علامه تهرانی سده ۱۴، ص ۱۴۶۵ و ۱۰۷۹؛

- مقدمه جلد اول تجدید الدواریس که ظاهراً از نوشته‌های خود مؤلف گرفته شده است؛

- شرح حال خاندان آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی معزی دزفولی که بخشی از آن تألیف خود آن مرحوم و بخشی از فرزند او مرحوم حاج شیخ مصطفی معزی دزفولی است؛

- کتاب تاریخ علما و روحانیت دزفول در دو جلد، تألیف حجت‌الاسلام والمسلمین علی راجی، کتابی بسیار سودمند است؛

- کتاب ارزشمند معزی‌نامه که به مناسبت بزرگداشت مرحوم آیت‌الله معزی به کوشش حضرت آقای طالعی در هشتصد صفحه گردآوری و منتشر شده است.

این کتاب در ۴ بخش تنظیم شده است:

- شرح حال‌ها: شامل سیزده شرح حال مربوط به این خاندان به قلم سیزده نفر از افاضل؛

- کتابشناسی: شامل معرفی آثار و تألیفات خاندان معزی و نیز مطالب دیگر؛

- ۵ رساله از تألیفات آیت‌الله میرزا محمدعلی معزی دزفولی؛

- برخی مقالاتی که به مناسبت این بزرگداشت نگاشته شده است، و مطالب سودمند دیگر.

در پایان لازم است با پوزش، عرض کنم یادداشت‌های متفرقه‌ای که برای سخنرانی در آن همایش تهیه شده بود، به این منظور تنظیم شد که شاید برای برخی از خوانندگان سودمند باشد.

المعزی الدزفولی دام بقاؤه فقرأ «بث شمس» وقال هی مخففة من «به تو شوم» ای فدتیکی...».

نیز در مقدمه رساله مفتاح التحقیق می‌نویسد: «فلما كانت الرسالة المسماة بمفتاح التحقیق التي صنعها شیخی الفقیه المحقق البارع الشیخ محمدعلی المعزی الدزفولی دام بقاؤه مشتملة علی تحقیقات عمیقة وتدقیقات انیقة جداً أحببت نشرها لتكون فی متناول المشتغلین بالعلوم الدینیة والله المستعان».

• علامه تهرانی در اعلام الشیعه سده چهاردهم صفحه‌های ۵ و ۱۴ می‌نویسد: «الشیخ محمدعلی بن الشیخ عبدالحسین... الدزفولی التستری عالم فاضل بارع من الافاضل الاجلاء المعاصرین حدثنی انه ولد فی سنة ۱۳۰۰ (۱۲۹۸) وقرأ علی فضلاء وقته واعلامه واطلعنی علی تألیف له سماه تجدید الدواریس... وهو کبیر یدل علی فضلته ومهارته... وللمترجم له ولد فاضل اسمه الشیخ المصطفی. وقد طبع اخیراً تجدید الدواریس فی سنة ۱۳۸۴».

یادآور می‌شوم که چون متأسفانه چند اشتباه در این شرح حال پیش آمده بود، عبارت ایشان را تلخیص کردم و موارد اشتباه را نقل نکردم.

• علامه سمنانی مؤلف کتاب حکمت بوعلی و آثار علمی و ادبی فراوان پس از ملاحظه کتاب تجدید الدواریس در تقریظ آن مرحوم آیت‌الله معزی را این چنین معرفی می‌کند: «الفقیه الوجیه النبیة حجت‌الاسلام آیت‌الله العلام فضیلة الشیخ محمدعلی المعزی الدزفولی».

• در مقدمه جلد اول تجدید الدواریس آمده است: «یکی از تألیفات فقیه نبیل محقق مقدم حاج شیخ محمدرضا دزفولی قدس سره کتاب «کلمة التقوی» است و مؤلف کتاب تجدید الدواریس آن را متن کتاب خود قرار داده است».

نیز در همان مقدمه آمده است: «مؤلف فقط از دوره فقه به نوشتن کتاب‌های طهارت، صلاة جماعت و صلاة مسافر و احکام خلل و قضاء الصلوات، کتاب صوم، کتاب خمس، کتاب زکاة، بیع معاطات و بیع فضولی و خیارات و احکام رضاع و مسائلی در طلاق، منجزات مریض و ارث الزوجه موفق شده است (که همه آنها در هشت جلد چاپ شده است).

• محقق و مصحح تجدید الدواریس (پیشتر گفتم ظاهراً آیت‌الله حاج شیخ مجتبی طهرانی از مراجع تقلید کنونی این کتاب یا بخش‌هایی اولی آن را تصحیح و آماده چاپ کرده است) درباره مؤلف می‌نویسد: «مترجمه آثاره القیمة اذکل اثر یدل علی موثره وحکمته وفخامته بمقدار اهمیتته، ومعرفه هو بیاناته الناظرة اذهی تصدر من صدر تحقیق وتدقیق وبالجملة لایجوز لی ان اجلله اذ هو جلیل بجلالاته